



نمونه بارز آن را می‌توان در آخرین انقلاب مردم این سرزمین علیه سلسله دست نشانده پهلوی‌ها مشاهده کرد که گرچه می‌خواستند با تکیه بر مفاهیم اصیل ایران کهن برای خود جایگاهی قابل قبول در میان مردمانش ایجاد کند اما نادیده گرفتن مهم ترین عقاید فلسفی و اعتقادی اکثر مردم این سرزمین که ریشه در رگ و خون آنها داشت کار را برای او مشکل کرده بود و رهبری را برای عالمی فرزانه بر دل‌های مردمان این سرزمین باز کرد و توانست بر پایه همین مفاهیم و دادخواهی و مبارزه علیه ستم بر این پادشاهی پیروز شود. وی میدانست که ذات تاریخی مردم این سرزمین گره در مفاهیم والای بشری (با محتوای اسلامی) دارد و این مهمترین برگ برای ورق زدن تاریخ مردم این سرزمین برایش بشمار میرفت.

در مجموع می‌توان گفت که چیزی در ذات و فطرت مردمان این سرزمین از جنس راستی و درستکاری از اعماق تاریخ شکل گرفته که نمود خود را در بزنگاه‌های تاریخی و با تغییرات و اکثر با هنرهای متفاوت بروز می‌دهد که بعضا شاهکارهایی بی‌نظیر بشری را چه از جنس مادی و چه از جنس معنوی رقم می‌زند و جایگاهی در تاریخ بشری برای خود پیدا می‌کند.

انقلاب‌هایی که در این سرزمین بروز کرده اند نیز اکثرا به پشتوانه همین مفاهیم والای انسانی و هنری بوده اند که خود با هنرمندی تمام به منصفه ظهور نهشته اند و شاید بتوان بعضا از این انقلاب‌ها به عنوان یک شاهکار هنری مهم نیز یاد کرد که اثری شگرفت بر مردمان سراسر کره خاکی از شرق تا غرب گذاشته اند.

کارشناس ارشد زبان‌های باستانی

اهمیت این خصائص را برای آیندگان ثبت کنند . مردم ایران نیز همیشه از این خصوصیت پیروی کردند و به عنوان نماد و تراز حکومت‌ها و فرمانروایان از آنها استفاده کردند و تقریبا می‌توان بیان داشت که این خواست جمعی ایرانیان همیشه به دو صورت، شکل خود را به حاکمان نشان می‌داد؛ اول اینکه یا آن حاکمان می‌بایست خود را با این نمادها وفق می‌دادند تا ماندگار شوند و دوم اینکه اگر سعی بر گذشتن از این مفاهیم داشتند توسط مردم برکنار می‌شدند که خود این امر باعث تلاقی هنر و سیاست می‌شد که مردم این سرزمین با استفاده از مفاهیم هنری و جاودان این سرزمین، سیاست حاکم بر مردمانشان را تعیین می‌کردند.

پس از اسلام در این سرزمین حتی فرمانروایان بیگانه و قلدری مانند مغول‌ها که با جنگ و خون ریزی و شمشیر بر مردمان این سرزمین غلبه کرده بودند بعضا مجبور شدند برای ماندگاری خود از فرضیه اول استفاده کنند. یکی از بارزترین این تغییرات را می‌توان سلطان الوجدانو دانست که خود هشتمین فرمانروای ایلخانیان و برادر غازان خان بود که به پیروی از فرضیه اول حتی نام خود را به محمد و لقب خود را به خداینده تغییر داد و با پیروی از مفاهیم والای ایرانی اسلامی این سرزمین برای خود ریشه ای عمیق و قابل قبول بین مردمان این سرزمین ساخت و با بکارگیری هنرهای متفاوت از جمله معماری با مفاهیم مذکور خود را ماندگار کرد .

اما هرگاه حکمرانانی نتوانسته بودند که خود را با این مفاهیم وفق دهند در درون خیل عظیم خواست مردم غرق می‌شدند و